

نقش اسناد هویتی

در پیشگیری از جرایم سازمان یافته*

- سیدعلیرضا میرکمالی^۱
- احسان عباسزاده امیرآبادی^۲

چکیده

امروزه در حقوق کیفری، با توجه به ارتباط روزافزون کشورها، ارتباطات فرامرزی و برچیده شدن مرزها، مبارزه با جرایم سازمان یافته جایگاهی خاص یافته است. اهمیت این جرایم به دلیل آسیب‌های جدی است که به امنیت و نظم عمومی کشورها و حیات و سلامت افراد جامعه وارد می‌کنند. بنابراین پیشگیری از آنها توجه بیشتر جرم‌شناسان را به خود معطوف کرده است. از سوی دیگر، اسناد هویتی به دلیل اطلاعاتی که در خصوص مشخصات فیزیکی و اعتباری اشخاص ارائه می‌کنند، ابزار مناسبی برای پیشگیری از جرایم سازمان یافته محسوب می‌شوند. این اسناد علاوه بر خطرآفرینی، ارتکاب جرایم مذکور را نیز دشوار می‌سازند. افزایش ضریب ایمنی در اسناد هویتی، بزهکاران را از ساخت اسناد

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۸.

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی (sarmirkamali@yahoo.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (ehsanabaszade@gmail.com).

جعلی مایوس و ناتوان می‌کند. مقاله پیش رو، پس از تعریف اسناد هویتی، بیان مفهوم و ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته و تبیین مفهوم پیشگیری، ابتدا نقش اسناد هویتی را در پیشگیری کنشی و سپس نقش این اسناد را در پیشگیری واکنشی از جرایم سازمان‌یافته بررسی و تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: اسناد هویتی، پیشگیری، پیشگیری کنشی، پیشگیری واکنشی، جرایم سازمان‌یافته.

مقدمه

جرم سازمان‌یافته یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی فراملی است که جوامع بشری را در عصر کنونی تهدید می‌کند. اهمیت این جرایم سبب شده تا نوشته‌های بسیاری از جرم‌شناسان در دو دهه اخیر به این موضوع اختصاص یابد.

اصطلاح «جرم سازمان‌یافته»^۱ محصول و ثمره تلاش‌های جرم‌شناسان می‌باشد و از آورده‌های مهم جرم‌شناسی به قلمرو حقوق کیفری به شمار می‌رود (کازمی، ۱۳۸۹: ۳۲). این اصطلاح که در دهه‌های اخیر به ادبیات حقوق جزای داخلی و بین‌الملل راه یافته است، ابتدا در «جامعه‌شناسی انحراف» در آمریکا مطرح گردید (نجفی ابرنبدآبادی، ۱۳۹۰: ۹۲۶). به رغم وجود اجماع جهانی درباره پیامدهای سوء این جرایم بر اخلاق، اقتصاد و امنیت ملی و جهانی، به دلیل عدم هم‌گرایی در استخراج مؤلفه‌های اساسی و ناهماهنگی در تعیین معیاری دقیق برای تفکیک جرایم، تا کنون تعریف جامع، واحد و روشنی از آن ارائه نشده است. تعاریف مختلف با گره زدن مفهوم جرم سازمان‌یافته به عناصر و ویژگی‌های متفاوتی از قبیل لزوم توسل به خشونت، ضرورت تحصیل منافع مادی، استمرار منافع، تلاش برای به دست آوردن انحصار اقتصادی و نفی رقابت سالم، تطمیع و فساد، روابط نزدیک عاطفی یا خانوادگی اعضا، تعداد افراد دخیل، تخصص‌گرایی و شدت جرایم و مجازات‌ها موجب ایجاد ابهام در مفهوم و محدوده جرایم سازمان‌یافته شده‌اند. با این حال، هیچ کدام از تکیه بر خصوصیت انسجام درونی، هویت جمعی و نقش تشکیلات غفلت‌نورزیده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که اصطلاح جرم سازمان‌یافته، به اعمال مجرمانه گروه‌های منسجم و متشکل از اشخاص

1. Organized crime.

اشاره می‌کند که از مهارت و تخصص خویش بهره گرفته و معمولاً به دنبال کسب فواید مالی از اعمال خویش هستند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

این جرایم، مقید به وسیله نیستند و برای آن‌ها از همه ابزارهای لازم برای نیل به هدف سازمان، مشروط به موافقت مقامات بالاتر استفاده می‌شود؛ توسل به خشونت و ترور، قتل مقامات پلیس، قتل صاحب‌منصبان قضایی و فساد از جمله پرکاربردترین ابزارهای سازمان‌های مجرمانه برای تسهیل اعمال مجرمانه هستند (Bossard, 1988: 103).

جرم سازمان‌یافته پدیده‌ای نوظهور نیست و در گذشته نیز وجود داشته است، اما پیشرفت‌های قرن اخیر آن را به یکی از چالش‌های پیش روی جوامع بشری تبدیل کرده است. بدیهی است تحول آشکار اشکال بزهکاری و رفتارهای مجرمانه به ویژه بزهکاری‌های سازمان‌یافته هم‌چون پول‌شویی، فساد مالی، قاچاق زنان و کودکان، قاچاق مهاجران، قاچاق اسلحه، تجارت اعضای بدن انسان، جرایم زیست‌محیطی و قاچاق مواد مخدر و از سوی دیگر، آثار و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و انسانی ناشی از آن، ضرورت تدوین مقرراتی در جهت پیشگیری و مبارزه مؤثر با این طیف وسیع از جرایم را دوچندان می‌کند.

اسناد هویتی به دلیل کارکردی که در شناسایی و تعیین هویت افراد دارند، ابزار مناسبی برای پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شوند. در مجموعه قوانین ما، نه تنها تعریفی از سند هویتی ارائه نشده بلکه حتی مصادیق آن نیز احصا نگردیده است. بنابراین ارائه تعریفی جامع و مانع از اسناد هویتی در گرو تبیین مفهوم هویت و مستلزم استخراج وجوه اشتراک این گونه اسناد می‌باشد. از نظر لغوی، هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌هایی که شخصیت فردی هر کس را تکوین می‌دهد و امکان شناسایی و تمایز وی از دیگران را فراهم می‌سازد (Cornu et Capitant, 2004: 453). در حقوق مدنی، شناسایی و تعیین هویت به وجود عناصری نظیر نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد و نسب وابسته است. علاوه بر موارد اعتباری (غیر فیزیکی) پیش گفته، برخی مشخصات فیزیکی (جسمانی) و زیست‌سنجی نظیر ویژگی‌های بیومتریک (سودرمن و اوگانل، ۱۳۷۱: ۸۹)، اثر انگشت و تفاوت تعداد تکرار یک ترتیب خاص از بازهای DNA در نقاط خاصی از کروموزوم‌ها (سوانسون و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۹۸) نیز از نشانه‌های هویتی محسوب

شده‌اند. برخی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی نظیر بندهای ۷ و ۸ ماده ۳ «کنوانسیون بازنگری مدارک شناسایی در یانوردان» مصوب ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ و بند ۱-۱۰-۳ استاندارد ضمیمه «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی تسهیل ترافیک دریایی» مصوب ۱۳۷۳/۱/۳۱ نیز بر ضرورت وجود چنین اطلاعاتی در اسناد هویتی تأکید کرده‌اند. بنابراین اسناد هویتی مدارکی هستند که برای احراز هویت و شناسایی افراد به کار می‌روند و شامل اطلاعاتی درباره مشخصات فیزیکی، نام، نام خانوادگی، جنسیت، نام پدر، تابعیت، تاریخ و محل تولد اشخاص حقیقی می‌باشند. در حقوق ایران، این اسناد عبارت‌اند از: شناسنامه، کارت ملی، گواهی‌نامه، کارت پایان خدمت یا معافیت از آن، گذرنامه و مدارک شناسایی صنفی مانند کارت‌های شناسایی ادارات دولتی. در میان اسناد اشاره شده، شناسنامه، سند رسمی هویت و تابعیت شخص محسوب می‌شود (شهرباری ۱۳۷۶: ۲) و مرجع مندرجات سایر اسناد هویتی است.

اسناد هویتی ظرفیتی مناسب برای پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته فراهم می‌نمایند. بخشی از این ظرفیت پیشگیرانه، مرهون استفاده از شیوه‌های پیشگیرانه غیر کیفری و بخش دیگر دستاورد حمایت کیفری از اسناد هویتی است. از این رو، در مقاله حاضر به رویکرد موسع پیشگیری که شامل اقدامات کیفری و غیر کیفری می‌باشد، توجه شده و ابتدا نقش اسناد هویتی در «پیشگیری کنشی» و سپس جایگاه آن‌ها در «پیشگیری واکنشی» از جرایم سازمان‌یافته بررسی و تحلیل شده است.

۱. پیشگیری کنشی

بر اساس تاریخچه حقوق کیفری، جوامع بشری با تکیه بر مفاهیم رنج و ارعاب، عمدتاً از تدابیر کیفری و مجازات، به ویژه انواع شدید آن برای پیشگیری از جرم و مقابله با آن استفاده می‌کرده‌اند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ش ۱۲۹/۲۶-۲۵).

شکل‌گیری مفهوم پیشگیری کنشی مرهون توجه جرم‌شناسان به زمینه‌های اجتماعی جرایم و معلول این تفکر بود که پیشگیری از بزهکاری، تنها از طریق اصلاح محیط اجتماعی امکان‌پذیر است (Stéfani, Levasseur et Jambu-Merlin, 1976: 248). فری نخستین کسی بود که با اشاره به نظریه کتله مبنی بر نقش مؤثر «ساخت‌بندی اجتماعی»

در پیدایش جرایم و با استناد به شواهد تاریخی و آماری ناکارآمدی الگوی سرکوب کیفری در امر پیشگیری از جرم بر لزوم انجام اصلاحات اجتماعی پافشاری می‌کرد (Gassin, 1990: 671-672)؛ زیرا به عقیده او کمترین پیشرفت در کاربست پیشگیری اجتماعی به منظور دفاع اجتماعی در برابر بزهکاری و اعتلای اخلاقی جامعه، به مراتب نتیجه‌بخش‌تر از تصویب و انتشار قوانین جزایی است (Ferri, 1914: 176). بنابراین پیشگیری کنشی عبارت است از شیوه‌های غیر قهرآمیز که دولت از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصت‌های مناسب ارتکاب جرم را مهیا می‌سازند، جهت مهار بزهکاری به کار می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۵). این رویکرد صرفاً تدابیر قبل از ارتکاب جرم را شامل می‌شود و با مداخله در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش‌جنایی در صدد کاهش نرخ بزهکاری است (عباچی، ۱۳۸۳: ش ۵۶/۴۷).

با عنایت به تعریف ارائه‌شده می‌توان گفت که پیشگیری کنشی، در واقع پیشگیری به مفهوم مضیق کلمه بوده و عنوانی کلی برای اشاره به موارد پیشگیری اجتماعی و وضعی است، اما از آنجا که سخن از نقش پیشگیرانه اسناد هویتی، علی‌الاصول به موارد پیشگیری وضعی و نه پیشگیری اجتماعی منصرف می‌باشد، لذا در جستار حاضر در تقسیم مطالب مربوط به پیشگیری کنشی از اصطلاحات و تقسیمات پیشگیری وضعی یعنی خطرآزایی، دشوارسازی و جاذبه‌زدایی استفاده شده است.

۱-۱. خطرآزایی

یکی از اهداف تدابیر پیشگیرانه، افزایش خطر ارتکاب جرم است، به گونه‌ای که منافع حاصل از ارتکاب جرم، خطرات ناشی از آن را تحت تأثیر قرار ندهد و بزهکار از عملی ساختن نیت مجرمانه خود منصرف شود (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). به عبارت دیگر، در اینجا کنترل وضعیت‌های ناظر بر ارتکاب جرم، خطر دستگیری و کشف جرم را بالا برده و موجبات انصراف مجرم را فراهم می‌سازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۵۴). «حمایت از شهود» از طریق مخفی نگاه داشتن هویت واقعی آنان و «نظارت بر فعالیت‌های برخی افراد» به دلیل وابستگی‌های خانوادگی یا جغرافیایی از مهم‌ترین

کارکردهای اسناد هویتی در زمینه افزایش خطر ارتکاب جرایم سازمان‌یافته به شمار می‌روند.

۱-۱-۱. حمایت از شهود

در برخی موارد، نگرانی ناشی از شرکت در یک محاکمه، شهادت شهود را تحت تأثیر قرار داده و نظام عدالت کیفری را در امر مقابله با جرایم ناکام می‌گذارد (Perrin, 2005: 219). باندهای تبهکاری و سازمان‌های مجرمانه با تکیه بر خصیصه وابستگی تشکیلاتی و تشدید نگرانی ناشی از انتقام‌جویی، زمینه بقای موجودیت خویش و سکوت شهود، قربانیان و اعضای نادم را فراهم می‌نمایند. در همین رابطه، برخی نویسندگان یکی از دلایل عدم موفقیت پلیس ژاپن نسبت به انهدام کامل سازمان‌های تبهکاری ژاپنی (یاکوزا) را ترس قربانیان و شهود جنایات سازمان‌یافته از انتقام دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). بنابراین حفظ حاکمیت قانون و جلب انگیزه شهود برای مداخله مؤثر در فرایند کشف و تعقیب جرایم سازمان‌یافته، مستلزم اعتمادسازی و تضمین امنیت ایشان هنگام ادای شهادت یا همکاری و پس از آن، در مقابل تهدیدهای افراد و گروه‌های بزهکار است.

تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنان تنها به پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی به آنان هنگام رویارویی با متهم محدود نیست، بلکه فراتر از آن لازم است تدابیری اندیشیده شود تا از تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم، خانواده و دوستان او پیشگیری گردد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۵۷). به همین دلیل «قانون کنترل جرایم سازمان‌یافته» مصوب ۱۹۷۰، برای نخستین بار به دادستان کل ایالات متحده آمریکا اختیار داد تا امنیت شهودی را که حاضر بودند در پرونده‌های مربوط به جرایم سازمان‌یافته یا سایر اشکال جرایم شدید صادقانه شهادت دهند، تأمین نماید (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد وین، ۱۳۸۸: ۱۹).

یکی از شیوه‌های مهم و استثنایی حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان‌یافته، تغییر هویت است که با انجام سلسله اقداماتی نظیر ایجاد شرح حال شخصی جدید برای شاهد، مخفی نمودن هویت اصلی وی از طریق اخذ همه اسناد

مربوط به هویت قبلی و صدور اسناد شخصی با نام جدید، اسکان وی در منطقه جدید، ایجاد تاریخچه زندگی جایگزین و حتی در مواردی انجام عمل جراحی پلاستیک صورت می‌پذیرد.

جواز استفاده از راهکار «صدور اسناد هویتی جدید» به منظور تأمین امنیت شهود، از مفاد برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر «پالرمو» و «مریدا» نیز قابل استنباط است. به موجب بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد (مریدا ۲۰۰۳)، دولت‌های عضو مکلف شده‌اند بر اساس نظام حقوقی داخلی و در محدوده امکانات خویش، برای حمایت مؤثر از شهود جرایم پیش‌بینی شده در این کنوانسیون و نزدیکان آن‌ها در مقابل تهدیدهای بالقوه و اعمال تلافی‌جویانه احتمالی، اقداماتی را انجام دهند. با توجه به اینکه در بند مذکور، حمایت از شهود در برابر تهدیدهای احتمالی، به صورت مطلق آمده و به روش خاصی مقید نشده است، راهکار «صدور اسناد هویتی جدید» را نیز شامل می‌گردد.

هرچند دولت ایران با تصویب کنوانسیون مریدا در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ متعهد شده است که مقرراتی را در خصوص حمایت از شهود تدوین نماید و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ نیز تدابیری را برای حمایت از شهود پیش‌بینی کرده است، متأسفانه ماده ۲۱۴ این قانون به دلیل بی‌توجهی به اطلاق بند ۱ ماده ۳۲ کنوانسیون مریدا، فقط انواع خاصی از شیوه‌های حمایت از شهود یعنی عدم مواجهه حضوری شاهد با متهم، عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل سکونت وی، استماع اظهارات شاهد در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور و تغییر مکان شاهد را پیش‌بینی کرده و درباره جواز استفاده از تدبیر «صدور اسناد هویتی جدید» سکوت کرده است.

تغییر هویت شهود راهکار مناسبی برای مدیریت ترس القاشده از سوی گروه‌های سازمان‌یافته، جلب انگیزه قربانیان، شهود و حتی اعضای نادم برای ادای شهادت و در نتیجه افزایش خطر ارتکاب جرم است. استفاده از چنین راهکاری احتمال شناسایی شهود و انجام اقدامات تلافی‌جویانه علیه آن‌ها را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود شهود احساس امنیت کنند، به آسانی و بدون نگرانی در فرایند رسیدگی مشارکت نمایند و با

ادای شهادت علیه مرتکبان جرایم سازمان‌یافته، دستگاه عدالت کیفری را در امر شناسایی و مقابله با تشکیلات مجرمانه یاری رسانند.

هرچند راهکار تغییر هویت، به واسطه ترغیب شهود و قربانیان به معرفی اعضای سازمان‌های بزهکاری و ادای شهادت علیه آن‌ها، احتمال شناسایی و دستگیری مرتکبان جرایم سازمان‌یافته را افزایش می‌دهد، انتقادهایی را نیز به دنبال داشته است. مهم‌ترین انتقاد، امکان سوءاستفاده استفاده‌کنندگان این برنامه‌ها از اسناد هویتی جدید است. توضیح آنکه برخی شهود حمایت‌شونده، مجرمانی هستند که جرم حرفه آن‌هاست، بنابراین غیر منتظره نیست که برخی از آن‌ها ورای هویت جدید خویش مخفی شوند و مجدداً به ارتکاب جرایم روی آورند (همان: ۹۹).

۲-۱-۱. نظارت بر افراد به واسطه نسب یا محل تولد

همان‌گونه که هنگام ارتکاب جرم، بزهکاران همیشه به دنبال این هستند که هزینه کمتری را در قبال بزهکاری بپردازند، سازمان‌های مجرمانه نیز همواره در جستجوی کم‌خطرترین روش‌ها هستند تا اقدامات مجرمانه خود را با کمترین هزینه به انجام رسانند. یکی از راهکارهایی که هزینه ارتکاب جرم را کاهش داده و خطر انتساب رفتار مجرمانه به یک سازمان و شناسایی و تعقیب گردانندگان و اعضای آن را به حداقل می‌رساند، بهره‌گیری از خدمات و توانایی‌های افرادی است که مجموعه خصوصیات خانوادگی (وابستگی جغرافیایی، نژادی یا قومیتی خاص) و شخصیتی (جرئت، جسارت و نداشتن رابطه خویشاوندی با مقامات انتظامی) ویژه ایشان، سازمان را نسبت به وفاداری ایشان متقاعد سازد. از همین رو، عضویت در سازمان‌های سنتی نظیر مافیا، یا کوزا یا تراپاد به دلیل وابستگی به آداب و سنن اجتماعی و طایفه‌ای، مشروط به احراز شرایط و موقعیت خانوادگی خاص و اجرای آیین‌های مخصوص بوده است؛ برای مثال مافیای نخستین که ریشه کاملاً اروپایی داشت، بر پایه احساسی از احترام، وفاداری، فرهنگ، خانواده و سلسله مراتب شکل گرفته بود و فقط افراد سیسیلی را به خدمت می‌گرفت (طغرنگار، ۱۳۸۰: ۵۷).

اسناد هویتی به دلیل ارائه اطلاعاتی درباره پیشینه خانوادگی، تابعیت و محل تولد

افراد، خاصیت خطرناک‌تری دارند؛ زیرا به کمک مندرجات این اسناد می‌توان افراد واجد شرایط عضویت در باندهای تبهکار را به آسانی شناسایی کرد و سپس از طریق نظارت بر فعالیت‌های آنها، اعضا و همکاران سازمان‌های تبهکار را شناسایی و تعقیب نمود. بدیهی است نظارت بر فعالیت‌های اشخاص دارای شرایط موجب می‌شود که سازمان‌های بزهکار برای برقراری ارتباط با چنین اشخاصی هزینه گزافی را متحمل شوند و به دلیل کاهش فرصت‌های در دسترس، فعالیت خویش را محدود کرده یا خاتمه دهند؛ زیرا مجرم در فرایند «گذار از اندیشه به عمل» همواره منافع و خطر ارتکاب جرم را ارزیابی می‌کند (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ش ۳۵۷/۲) و در صورت سنگینی کفه هزینه‌ها، از ارتکاب جرم منصرف می‌شود. بنابراین تعقیب فعالیت‌های برخی افراد به واسطه نسب، محل تولد یا تابعیت، همانند سایر تدابیر مراقبتی، کشف نشانه‌های رفتار مجرمانه را تسهیل نموده و خطراتی را که مجرم هنگام ارتکاب جرم با آنها روبه‌رو می‌شود، افزایش می‌دهد (Cusson et les autres, 1994: 15).

۱-۲. دشواری

مهم‌ترین هدف پیشگیری وضعی که بیشترین روش‌ها و راهکارها را شامل می‌شود، دشواری یا ناممکن نمودن وقوع جرم علی‌رغم وجود قصد و انگیزه مجرمانه است (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۶۶). توسل به تدابیر دشوارساز سنتی‌ترین و غالب‌ترین شیوه پیشگیری از جرم می‌باشد (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ش ۳۶۲/۲) که با بهره‌گیری از راهکارهایی نظیر محکم کردن آماج، کنترل دسترسی، منحرف کردن بزهکاران احتمالی و کاهش امکان دستیابی به ابزارها و لوازم ارتکاب جرم، اهداف کاهش موقعیت‌های مساعد و افزایش تلاش یا سلب توان بزهکاران احتمالی را دنبال می‌کند (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

۱-۱-۲. افزایش ضریب ایمنی اسناد هویتی

همگام با رشد و توسعه روزافزون علم و فناوری و دسترسی افراد جامعه به فناوری‌های جدید و دستگاه‌های پیشرفته، راه‌های ارتکاب جعل نیز همانند سایر جرایم دگرگون شده‌اند. توسل به فناوری‌های جدید، سازمان‌های تبهکار را قادر می‌سازد تا با سرعت و

دقت بسیار بالا برای اعضای سازمان یا قربانیان برخی جرایم سازمان یافته، اسناد هویتی از قبیل شناسنامه یا گذرنامه تهیه نمایند (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). اسناد هویتی جعلی از دو جهت فرایند مقابله با جرایم سازمان یافته را مختل می نمایند: نخست اینکه اعضای باندهای مجرمانه با کمک این اسناد، از مرزهای تثبیت شده یک کشور می گذرند و با ورود به کشور دیگر، به بهشت امن پا گذاشته و نهادهای کشف جرم را در امر ردیابی و نظارت با دشواری مواجه می سازند. دوم اینکه لوازم و مقدمات ارتکاب جرایم سازمان یافته را فراهم می کنند. برای نمونه یکی از شیوه های ارتکاب قاچاق انسان، ساخت گذرنامه های جعلی برای قربانیان این جرم می باشد. بنابراین اسناد هویتی جعلی هم در ارتکاب جرم و هم در فرار از مجازات بزهکاران مؤثرند. بدیهی است که وجود این واقعیت، ضرورت اطلاع دست اندرکاران امر مبارزه با جرایم از یافته های علمی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه نو و روزآمد را دوچندان می سازد.

نقش مؤثر اسناد هویتی جعلی در بقای سازمان های تبهکار، اختفای هویت اعضای این سازمان ها و تسهیل عملیات مجرمانه ایجاب می کند که برای افزایش ضریب ایمنی اسناد هویتی و دشوارسازی شیوه های جعل این اسناد تدابیری اندیشیده شود. در این راستا، بند a ماده ۱۲ پروتکل الحاقی به «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی» با موضوع پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان، دولت های عضو را مکلف نموده تا تدابیری اتخاذ کنند که سوءاستفاده، جعل، تغییر، تکثیر و صدور غیر قانونی اسناد مسافرت یا اوراق هویت را دشوار سازند. نظیر همین حکم در بند a ماده ۱۲ پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجران از راه زمین، دریا یا هوا، الحاقی به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی نیز پیش بینی شده است.

افزایش ضریب ایمنی اسناد هویتی مستلزم مداخله در فرایند ساخت و تولید آن ها از طریق استعمال کاغذ و جوهر خاص، توسل به شیوه های چاپ و طراحی منحصر به فرد و الصاق قطعات محافظ نظیر هولوگرام، لامینیت و قطعات حساس به خصوصیات بیومتریک است. بدین ترتیب برای پیشگیری از جعل اسناد هویتی از تدابیر زیر می توان بهره گرفت:

۱. یکنواخت نمودن قلم‌ها و جوهرهای اداری و استفاده از جوهرهای فسفری حساس به اشعه ماورای بنفش در نگارش اسناد هویتی؛

۲. استفاده از منگنه (مهرهای برجسته) به جای مهرهای معمولی (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۸: ۲۵۲)؛

۳. تجهیز مراکز پلیسی، ثبتی و اطلاعاتی به دستگاه‌های تشخیص جعل؛

۴. حساسیت کاغذ نسبت به مواد شیمیایی. این خاصیت موجب می‌شود که کاغذ در برابر محلول‌هایی نظیر مواد شوینده واکنش نشان دهد. هنگامی که کاغذ در معرض چنین موادی قرار گیرد، رنگ آن تغییر کرده و در برخی موارد، پیامی مبنی بر باطل شدن کاغذ روی سطح آن پدیدار می‌شود (صدیق، ۱۳۸۸: ۶۷)؛

۵. استفاده از مشخصات بیومتریک. بهره‌گیری از این سیستم زیست‌سنجی، مستلزم این است که نمونه‌ای از ویژگی‌های زیستی شامل اثر انگشت، الگوی عنبیه و شبکیه چشم، صدا و DNA، ثبت و ذخیره گردد و از آن برای ایجاد یک الگو استفاده شود. کارت‌های هوشمند ملی بر پایه همین فناوری طراحی شده‌اند. با توجه به اینکه هر شخص مشخصات بیومتریک منحصر به فردی دارد، جعل این کارت‌ها به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست (میراحمدی، ۱۳۹۰: ش ۱۳۸/۱۹). بدیهی است که گسترش استفاده از این کارت‌ها، کنترل هویت افراد را تسهیل کرده و امکان شناسایی و تشخیص هویت مطمئن آن‌ها را به ویژه در معاملات غیر حضوری فراهم می‌سازد (Oberdorff, 2010: 263).

۶. تعبیه پوشش سلفونی مخصوص در اسناد هویتی. سلفون به کار رفته در این گونه اسناد باید دو خصوصیت داشته باشد: اولاً تهیه آن برای همگان ممکن نباشد. ثانیاً کوچک‌ترین خدشه و قلم‌بردگی در آن به پارگی سلفون منجر شود و اثر خود را بر جای گذارد. در حال حاضر در برخی اسناد نظیر شناسنامه‌های جدید، از این شیوه استفاده می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

۲-۱-۲. محدودیت تشکیل جمعیت و گروه

همکاری گروهی، به دلیل تقویت جرئت و جسارت افراد، احتمال ارتکاب رفتارهای پرخطر و مشارکت در فعالیت‌های سازمان‌یافته را افزایش می‌دهد. به گونه‌ای که در

دهه‌های اخیر سازمان‌های قانونی و غیر قانونی مختلفی به ارتکاب جرایم سازمان‌یافته تمایل یافته‌اند (نجفی ابرنآبادی و دیگران، ۱۳۷۹: ش ۶۲/۴). این امر ایجاب می‌کند که محدودیت‌ها و مقررات ویژه‌ای برای تشکیل برخی نهادهای اجتماعی نظیر احزاب، انجمن‌های صنفی و کانون‌های فرهنگی و هنری برقرار گردد.

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۶۱/۳/۳۰، با اشاره به ضرورت رعایت شرایط ماده ۷، تابعیت ایرانی و عدم سوء پیشینه کیفری و داشتن حداقل ۲۵ سال تمام را برای اعضای هیئت مؤسس الزامی دانسته است. ماده ۳ آیین‌نامه مزبور نیز متقاضیان تشکیل احزاب، سازمان‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی را مکلف نموده تا علاوه بر ارائه گواهی عدم سوء پیشینه اعضای هیئت‌های مؤسس، رهبری و اجرایی، فتوکپی مصدق شناسنامه و عکس جدید تمام‌رخ این افراد را نیز به سایر مدارک ضمیمه نموده و به فرمانداری محل تسلیم نمایند. همچنین ماده ۶ متن اصلاحی آیین‌نامه اجرایی فعالیت انجمن‌های اسلامی مصوب ۶۳/۳/۱۸، کلیه انجمن‌های اسلامی مرکزی را ملزم به تسلیم فتوکپی تمام صفحات شناسنامه اعضای هیئت مؤسس و هیئت مدیره و ارائه ۶ قطعه عکس و گواهی عدم سوء پیشینه اعضای هیئت مدیره نموده است.

بی‌تردید تأکید مکرر قانون‌گذار بر ضرورت ارائه گواهی عدم سوء پیشینه، عکس و فتوکپی شناسنامه مؤسسان و گردانندگان احزاب سیاسی و انجمن‌های اسلامی در قوانین مختلف، نشان‌دهنده دغدغه قانون‌گذار نسبت به واگذاری امر هدایت تشکل‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به افراد صلاحیت‌دار و فاقد سوابق مجرمانه است. اسناد و نشانه‌های هویتی، ابزار مناسبی برای رفع این نگرانی محسوب می‌شوند؛ زیرا این اسناد یا نشانه‌ها، تعیین هویت و دست‌یابی به سوابق کیفری مؤسسان یا مدیران نهادهای سیاسی یا اجتماعی را تسهیل نموده و امکان اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را در جهت حذف یا خنثی‌سازی زمینه‌های ارتکاب جرایم گروهی یا سازمان‌یافته افزایش می‌دهند. به همین دلیل قانون‌گذار نیز از اهمیت این اسناد غافل نشده و در قوانین و مقررات مختلف بر ضرورت ارائه اسناد هویتی و لزوم تعیین هویت تأسیس‌کنندگان و اداره‌کنندگان نهادهای سیاسی و اجتماعی تصریح نموده است.

شایان ذکر است که محرومیت افراد دارای سوء پیشینه از حق تأسیس و رهبری

انجمن‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در زمره اقدامات تأمینی با خصوصیت برتر پردکنندگی و خنثی‌سازی جای می‌گیرد؛ زیرا در اینجا فرض بر این است که حضور شخص مجرم در چنین مراکزی، به دلیل داشتن حالت خطرناک، دفاع اجتماعی را آسیب‌پذیر می‌سازد. در این نوع اقدامات، جنبه حفظ امنیت و مصلحت جامعه بر بُعد اصلاحی و تربیتی فرد بزه‌کار غالب می‌باشد (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). به عبارت دیگر، قانون‌گذار با وضع چنین مقرراتی کوشیده تا دسترسی مجرمان و افراد دارای حالت خطرناک را به ابزارها و مقدمات ارتکاب جرم محدود نماید.

گفتنی است که تدبیر محرومیت برخی افراد از تأسیس و رهبری گروه‌های اجتماعی، تنها در مورد آن دسته از سازمان‌ها، انجمن‌ها و جمعیت‌هایی مؤثر است که با مجوز مراکز قانونی فعالیت می‌کنند و نسبت به انجمن‌ها، گروه‌های خودجوش و زیرزمینی قابل اعمال نیست. این امر، نافی ظرفیت پیشگیرانه مقررات مندرج در قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی، آیین‌نامه اجرایی این قانون و آیین‌نامه اجرایی فعالیت انجمن‌های اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا دور از انتظار نیست که شخص یا گروهی، ظاهر قانونی شرکت یا سازمان خویش را پوششی برای ارتکاب جرایم سازمان‌یافته قرار دهد. در این صورت، چه بسا سازمان‌های ظاهراً قانونی، از آن جهت که در اموری نظیر عضوگیری، تأمین هزینه‌ها و انجام فعالیت‌های خویش از حمایت‌های قانونی برخوردارند، به مراتب خطرناک‌تر از سازمان‌های زیرزمینی باشند. بنابراین مقررات مربوط به محدودیت تشکیل و رهبری انجمن‌ها، جمعیت‌ها و گروه‌های اجتماعی، از این جهت که مانع استفاده افراد بدسابقه از امتیازات قانونی می‌شوند، کارکرد پیشگیرانه دارند.

با عنایت به مطالب پیشین، دسته‌بندی راهکار محدودیت تشکیل گروه و جمعیت در زمره تدابیر دشوارساز، این گونه توجیه می‌شود که غالب مؤسسان و مدیران با اتکا به مجوزهای قانونی، افراد را نسبت به عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها متقاعد می‌کنند اما لزوم ارائه اسناد هویتی از سوی اعضای هیئت مؤسس و هیئت مدیره موجب می‌شود که مجرمان و افراد دارای سوء پیشینه نتوانند تحت پوشش‌های قانونی به تشکیل گروه‌های مجرمانه یا عضوگیری اقدام نموده و در این امور، نسبت به دیگران با دشواری بیشتری روبه‌رو گردند.

۳-۱. جاذبه‌زدایی

تدابیر جاذبه‌زدا، منافی را که مجرم از جرم خویش انتظار دارد، کاهش داده یا از بین می‌برد (Cusson, 2002: 65). جاذبه‌زدایی نقش مهمی در فرایند پیشگیری از جرم ایفا می‌کند؛ زیرا بزهدار هر گاه منافع احتمالی را اندک ببیند، از اجرایی کردن طرح خویش صرف نظر می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). بنابراین یکی از راهکارهای مؤثر در جهت پیشگیری و کاهش انگیزه افراد برای مداخله در ارتکاب جرایم سازمان‌یافته، جاذبه‌زدایی و کاهش منافع احتمالی ناشی از وقوع این جرایم است. اسناد هویتی با ایفای نقش مؤثر در شفاف‌سازی روابط مالی، زمینه مناسبی را برای اتخاذ چنین تدابیری فراهم می‌سازند.

موفقیت تجاری و اقتصادی یک تشکیلات جنایی، در گرو آن است که بتواند از منافع حاصل از جرایم استفاده کرده و مجدداً در اقتصاد قانونی سرمایه‌گذاری کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۱۲). استفاده از عواید مالی ناشی از اعمال مجرمانه سازمان مستلزم این است که برای مخفی کردن منبع اصلی اموال نامشروع و تبدیل آن‌ها به اموال پاک تدابیری اندیشیده شود. تطهیر اموال نامشروع یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مجرمانه‌ای است که امکان استفاده از منافع حاصله را فراهم ساخته و برای تضمین حیات و دوام تشکیلات و همچنین سهولت ارتکاب سایر فعالیت‌های سازمان ضروری است (معظمی، ۱۳۸۷: ۳۸؛ الخریشه، ۲۰۰۹: ۸۴؛ ۳۳: 33؛ Blaser, 2005). به همین جهت، از اواسط دهه هشتاد جرم‌انگاری عمل مخفی‌سازی اموال ناشی از جرم به شکل مستقل از جرم اصلی، مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و به تبع آن کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۳۳۳).

یکی از ارکان مهم مبارزه با پول‌شویی در سطح داخلی و بین‌المللی، احراز هویت مشتریان است. اخذ مدارک احراز هویت و شناسایی معقول و متعارف مشتری توسط مؤسسات مالی و بانکی به عنوان مهم‌ترین ابزار پول‌شویی که در کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا مورد تأکید قرار گرفته است، نقش عمده‌ای در فرایند پیشگیری از جرم پول‌شویی ایفا می‌کند (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۹).

توانایی کنترل حجم معاملات و آگاهی از میزان دارایی اشخاص از طریق تعیین

هویت ایشان و لزوم پاسخ‌گویی در قبال معاملات و درآمدهای غیر متعارف، عامل مهمی در جهت کاهش تمایل افراد نسبت به مشارکت در تشکیل سازمان‌های تبهکاری مبتنی بر انگیزه‌های اقتصادی محسوب می‌شود. بدین ترتیب لازم است در پرونده‌هایی که متهم درآمدها و سرمایه‌های مظنون را کسب نموده، علی‌رغم حاکمیت اصل برائت در موارد مشکوک، ظاهر حال نیز مد نظر مقامات قضایی قرار گیرد و در مقام تعارض اصل و ظاهر، ظاهر به سبب عادی نبودن روش تحصیل مال و حکایت آن از تحصیل اموال از طریق نامشروع مقدم شود و با جابه‌جایی اصل برائت و اماره مجرمیت، متهم مکلف به ارائه دلیل برای پاک بودن سرمایه خویش گردد (نجفی ابرنآبادی و دیگران، ۱۳۷۹: ۷۰/۴). بدیهی است که برآورد میزان دارایی اشخاص، مقایسه آن با درآمد متعارف و ردیابی منشأ اموال آن‌ها، مستلزم تدوین سازوکارهایی است که به موجب آن افتتاح حساب‌های بانکی و اعتبار نقل و انتقالات مالی، منوط به ارائه اسناد هویتی گردد. بنابراین با الزام افراد به ارائه اسناد هویتی در هنگام انجام معاملات یا افتتاح حساب‌های بانکی و از طریق ایجاد سیستم جامع مالی که شامل اطلاعاتی در مورد درآمدها، هزینه و میزان گردش مالی اشخاص باشد، می‌توان میزان دارایی متعارف اشخاص را به تناسب متغیرهایی نظیر شغل و وضعیت خانوادگی تخمین زد و نسبت به سرمایه مازاد تقاضای ارائه دلیل نمود. همچنین تدوین مقررات مالیاتی ویژه و اخذ مالیات بیشتر از درآمدهای نامتعارف، صرف نظر از منشأ مجرمانه یا غیر مجرمانه آن‌ها نیز عامل مهمی در جهت جاذبه‌زدایی و کاهش انگیزه افراد برای کسب دارایی‌های نامشروع است.

۲. پیشگیری واکنشی

این پیشگیری که از نظر ذاتی، «اقدامی پسینی» است (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۳۲/۴۵)، ناظر به اقدام کیفری پیش و پس از وقوع جرم بوده و با بهره‌گیری از سازوکارهای نظام عدالت کیفری به دنبال کاهش نرخ بزهکاری است (عباسی، ۱۳۸۳: ۶۳/۴۷).
پیشگیری واکنشی یا کیفری پیشینه‌ای طولانی دارد، به گونه‌ای که بر اساس مطالعات و یافته‌های تاریخی، جوامع بشری برای برخورد با پدیده مجرمانه، همواره به

ابزارهای قهرآمیز و مجازات‌های سخت متوسل می‌شده‌اند. این نوع پیشگیری با تکیه بر رعب‌انگیزی فردی و جمعی و عبرت‌آموزی، آرمان جلوگیری از بزهکاری نخستین و دوبارهٔ افراد را دنبال می‌کند. بدین معنا که تدبیر پیشگیرانه از جرم در بُعد کیفری که در جوامع کنونی به عنوان یکی از ابزارهای اساسی سیاست جنایی در سطوح مختلف قانونی، قضایی، اجرایی و پلیسی شناسایی شده است، در بخشی از خویش از مجرای اعمال ضمانت اجرای کیفری بر مرتکبان اعمال مجرمانه و به دنبال آن کاشتن بذر ارباب در دل مجرمان بالقوه و بالفعل و در بخش دیگر از طریق اصلاح و بازپروری بزهکاران هنگام تحمل مجازات محقق می‌گردد (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸: ش ۱۳۳/۳).

با توجه به اینکه جرم سازمان‌یافته مستلزم برنامه‌ریزی قبلی و انجام اقدامات تخصصی بوده و عموماً از نوع جرایم شدید است، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر ساختار اجتماعی، اداری و اقتصادی جوامع وارد می‌کند. این امر ایجاب می‌کند که این جرم، همانند تروریسم و جنایات علیه بشریت، در شمار جرایم مرتبط با حوزهٔ حقوق عمومی باشد و تابع نظام کیفری خاصی قرار گیرد (Alix, 2010: 66). به این پدیده در مجموعهٔ مقررات جزایی ایران به طور مستقل توجه نشده است و به نظر می‌رسد جرم‌انگاری مستقل آن به ویژه در شرایط کنونی که ایران یکی از قربانیان اصلی جنایات سازمان‌یافته محسوب می‌شود، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر باشد (صدیق بطحایی اصل، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

مادهٔ ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که ذیل فصل چهارم بخش سوم از کتاب اول با عنوان «سردستگی گروه مجرمانهٔ سازمان‌یافته» واقع شده، مجازات سردستهٔ گروه مجرمانه را تشدید می‌کند. تبصرهٔ ۱ این ماده، گروه مجرمانه را محصول اجتماع منسجم حداقل سه نفر برای ارتکاب جرم دانسته است. همچنین در مادهٔ ۴۶، سازمان‌یافته بودن جرم، از موانع بهره‌مندی از تعلیق یا تعویق است. بنابراین قانون مذکور نیز علی‌رغم به کارگیری اصطلاح «سازمان‌یافته» در موارد مختلف، نسبت به تعریف جرم سازمان‌یافته و ورود این اصطلاح به عرصهٔ مقررات کیفری کشورمان اهتمام چندانی نورزیده است.

هرچند در مجموعهٔ مقررات ما، به شکل مستقیم و صریح، پاسخ‌های کیفری

اختصاصی برای جرایم سازمان‌یافته پیش‌بینی نشده، در میان قوانین پراکنده نظیر «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» مواردی یافت می‌شود که با مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره لزوم اتخاذ تدابیر کیفری پیشگیرانه در قبال جرایم سازمان‌یافته همسو می‌باشند.

به موجب بند b ماده ۶ «پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجران از راه زمین، دریا یا هوا، الحاقی به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی»، کشورهای عضو متعهد شده‌اند که رفتارهایی نظیر ساختن، تهیه و مالکیت اسناد جعلی هویت یا مسافرت را به عنوان اعمال مجرمانه شناسایی کنند. بنابراین اسناد بین‌المللی نقش اسناد هویتی در پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته را تنها به پیشگیری کنشی محدود نکرده، بلکه در مواردی، حمایت کیفری از اسناد و اتخاذ تدابیر واکنشی را نیز ضروری دانسته‌اند. پیش‌بینی این گونه تدابیر بر این ایده استوار است که ترس از ضمانت اجرای کیفری دست‌کم در مورد برخی مجرمان بالقوه، خاصیت پیشگیرانه داشته و تضمین‌کننده رعایت بسیاری از قوانین توسط شهروندان می‌باشد (Cusson, 1987: 116). قانون‌گذار ایرانی به جای تدوین حکمی عام درباره جعل و استفاده از اسناد هویتی فاقد اعتبار، همه تلاش خویش را صرف حفظ اعتبار شناسنامه نموده است؛ زیرا شناسنامه مهم‌ترین سند هویتی و تابعیتی و مجوز بهره‌مندی صاحب آن از تمام حقوق و مزایای اتباع ایران است (شهریاری، ۱۳۷۶: ۴۳).

مفهوم جعل در بند c ماده ۳ پروتکل مذکور قلمرو وسیعی دارد، به گونه‌ای که علاوه بر موارد ساختن یا تغییر دادن سند از سوی سازمان یا شخص فاقد صلاحیت، موارد اکتساب اسناد هویتی مکرر و موهوم و موارد استفاده از سند هویتی توسط شخصی غیر از دارنده قانونی آن را نیز شامل می‌شود. از همین رو، در ادامه مقاله حاضر، مباحث مربوط به نقش اسناد هویتی در پیشگیری واکنشی از جرایم سازمان‌یافته نیز تحت سه عنوان جرم‌انگاری جعل و تخدیش شناسنامه، ممنوعیت دریافت شناسنامه مکرر و موهوم و ممنوعیت استفاده از شناسنامه دیگری برای اثبات هویت خود بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱-۲. جرم‌انگاری جعل و تخدیش شناسنامه

بی‌تردید یکی از دلایل و زمینه‌های بقای سازمان‌های بزهکار و استمرار ارتکاب جرایم سازمان‌یافته، عدم افشای هویت مرتکبان و مؤسسان از رهگذر جعل اسناد و به ویژه اسناد هویتی است. به باور یکی از حقوق‌دانان، «جعل از جمله جرایم بر ضد آسایش عمومی است زیرا چنانچه مورد جعل اسناد رسمی یا بانکی، اوراق بهادار، سهام تجارتي و نوشته‌های اداری باشد، موجب سلب اعتماد مردم و ایجاد نگرانی و اختلال در معاملات و روابط بازرگانی و اداری گردیده، آسایش عمومی را به خطر می‌اندازد» (بیمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۶). همین امر موجب شده تا بیشتر نظام‌های کیفری دنیا بر اهمیت حفظ این جرم به عنوان یک جرم مستقل تأکید کرده و این سخن را که «جعل در واقع مقدمه استفاده بعدی از سند مجعول یا کلاهبرداری و نظایر آن‌ها بوده و نباید جرم مستقلی به حساب آید» نپذیرند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

ماده ۱۰ «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۰ با تکیه بر عنصر قصد متقلبانه، دو رفتار را از یکدیگر تفکیک نموده است. صدر این ماده، ایجاد هر گونه خدشه در شناسنامه را فارغ از قصد مرتکب جرم‌انگاری کرده و مرتکب را به جزای نقدی محکوم می‌نماید. این مورد هنگامی است که شخص بدون هیچ انگیزه یا قصد خاصی در شناسنامه یا اسناد سجلی خود یا دیگران دخل و تصرف نماید که در این صورت به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار ریال محکوم می‌شود (منصورآبادی و فتحی، ۱۳۹۰: ۱۱۲۹).

ذیل این ماده نیز به بیان حکم جعل شناسنامه می‌پردازد و مجازات آن را به مقررات مربوط به جعل اسناد رسمی ارجاع می‌دهد. در اینجا که مرتکب به قصد تقلب (استفاده از شناسنامه مجعول) مندرجات شناسنامه را تغییر داده است، حسب مورد طبق مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجازات می‌شود. مجازات وی حسب مورد ۱ تا ۵ سال حبس یا ۶ تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی - اگر مرتکب کارمند باشد - و یا ۶ ماه تا ۳ سال حبس یا ۱۸ تا ۱۸۰ میلیون ریال جزای نقدی - اگر مرتکب غیر کارمند باشد - خواهد بود (همان).

ذیل ماده ۱۰ ایرادهایی به چشم می‌خورد که ارزش حقوقی آن را کاهش می‌دهد:

نخست آنکه تنها به جعل و تزویر به صورت جزئی و ثانوی (تغییر در سند اصیل) اشاره کرده و متعرض جعل و تزویر به صورت کلی و اولی (ساختن یک سند از ابتدا تا انتها) نمی‌شود. دوم آنکه به نظر می‌رسد با وجود مواد ۵۳۲ و ۵۳۳، به ماده ۱۰ قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه نیازی نیست؛ زیرا اصطلاح اسناد رسمی، شامل شناسنامه نیز می‌شود و این ماده تشدید مجازات مرتکبان جعل شناسنامه را پیش‌بینی نکرده است.

در پاسخ به ایرادهای فوق می‌توان گفت فایده‌ای که بر تنظیم ماده مذکور مترتب است، تکلیف دادگاه مبنی بر تعیین حداکثر مجازات در موارد تکرار جرم است در صورتی که تکرار جرم جعل در مورد سایر اسناد رسمی موجب محکومیت مرتکب به حداکثر مجازات نمی‌شود. البته باز هم این سؤال مطرح می‌گردد که چرا تشدید مجازات جرم جعل به نحو کلی و اولی، مطابق قواعد عمومی، به تشخیص قاضی واگذار شده، ولی در مورد تکرار جعل به نحو جزئی و ثانوی، میزان تشدید به صراحت در قانون پیش‌بینی شده است؟

در مجموع اقدام قانون‌گذار در پیش‌بینی ماده ۱۰ «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» را می‌توان گامی در راستای تقویت پیشگیری واکنشی و حذف زمینه‌های ارتکاب جرایم سازمان‌یافته تلقی نمود؛ زیرا در این ماده علاوه بر اعلام ممنوعیت جعل شناسنامه و احاله مجازات آن به احکام مربوط به جعل اسناد رسمی، صرف تخدیش شناسنامه، علی‌رغم فقدان قصد تقلب یا اضرار نیز جرم‌انگاری شده است. توضیح آنکه در مواردی به دلیل اینکه سازنده یا تغییردهنده اسناد، هنگام ساخت یا تغییر مندرجات، فاقد قصد اضرار یا استفاده از اسناد مجعول می‌باشد، جاعل محسوب نمی‌گردد، اما سند ایجاد شده زمینه مناسبی را برای ارتکاب جرم استفاده از اسناد مجعول فراهم می‌آورد. بدین ترتیب جرم‌انگاری عمل تغییر مندرجات شناسنامه، بی‌آنکه مرتکب قصد تقلب داشته باشد، تدبیر مناسبی برای پیشگیری از جرم استفاده از شناسنامه‌های مجعول و اختفای هویت اعضای باندهای تبهکار محسوب می‌شود.

از منظر حقوق تطبیقی، در ماده ۲۱۷ قانون عقوبات مصر نیز حکمی نظیر حکم

مندرج در ماده ۱۰ قانون جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه پیش‌بینی شده است. با این تفاوت که حکم مندرج در ماده ۲۱۷ به مورد جعل گذرنامه اختصاص دارد و به جعل سایر اسناد هویتی نظیر شناسنامه نمی‌پردازد. به موجب این ماده، ساخت گذرنامه جعلی یا تزویر در گذرنامه اصیل مستوجب مجازات مرتکب به حبس می‌باشد.

۲-۲. ممنوعیت دریافت شناسنامه مکرر و موهوم

نقش مؤثر شناسنامه در شناسایی و تعیین هویت افراد، موجب شده که قانون‌گذار با هدف حفظ اعتبار اسناد هویتی به همه ابزارها متوسل شود و با بهره‌گیری از ضمانت اجراهای شدید کیفری، قلمرو مداخلات کیفری را توسعه بخشد. در همین راستا بند ب ماده ۲ «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه»، ضمن جرم‌انگاری عمل «دریافت شناسنامه مکرر یا موهوم»، دست قاضی را نسبت به اعمال مجازات حبس یا جزای نقدی به شکل مجرد یا ترکیبی باز گذاشته است. بنابراین، طبق ماده ۲ قانون مذکور، در صورت دریافت شناسنامه مکرر یا موهوم دادگاه می‌تواند مرتکب را به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰ هزار تا ۱ میلیون ریال یا به تحمل هر دو مجازات بنا به تشخیص قاضی محکوم نماید. مهم‌ترین ایراد این ماده آن است که مفهوم دو اصطلاح مکرر و موهوم را بیان نمی‌کند و بی‌آنکه ملاک تفکیک شناسنامه‌های مکرر و موهوم را بیان نماید، این دو اصطلاح را در عرض یکدیگر و به عنوان دو جرم مستقل به کار می‌برد.

ماده ۱۱ این قانون نیز رفتار فریب‌کارانه اتباع خارجی مبنی بر ایرانی قلمداد کردن خویش را در صورتی که منجر به دریافت شناسنامه گردد، مستوجب محکومیت به حبس از ۱ تا ۳ سال و پرداخت جزای نقدی از ۱ تا ۳ میلیون ریال دانسته است. این ماده به شکل مقید تنظیم شده و مجازات دریافت‌کنندگان شناسنامه‌های موهوم را به اعتبار تابعیت غیر ایرانی مرتکبان تشدید نموده است.

ماده ۲۱۶ قانون عقوبات مصر، دریافت گذرنامه موهوم را جرم‌انگاری کرده است. این ماده علاوه بر دریافت‌کننده، سایر اشخاصی را که عالماً در فرایند دستیابی به

گذرنامه موهوم مداخله کنند، سزاوار تحمل حداکثر ۲ سال حبس دانسته است. ماده ۲۲۰ این قانون نیز صدور گذرنامه موهوم توسط مأموران خدمات عمومی را در صورت عالم بودن ایشان، علاوه بر انفصال مستوجب محکومیت به حداکثر ۲ سال حبس یا جزای نقدی حداکثر تا میزان ۵۰۰ جنیه دانسته است. برخی حقوق دانان مصری، رفتارهای مذکور را از مصادیق جعل مفادی دانسته‌اند (حُسنی، ۱۹۹۲: ۲۹۵).

جرم‌انگاری عمل «دریافت اسناد هویتی موهوم» از این جهت اهمیت دارد که برخی از مهم‌ترین مصادیق جرایم سازمان‌یافته نظیر قاچاق انسان و پول‌شویی غالباً در پناه و پوشش اسامی موهوم و غیر واقعی به وقوع می‌پیوندند. نمونه بارز آن، اقدام قاچاقچیان است که در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ با همدستی کارمندان بیمارستان و اداره ثبت احوال، به دریافت اسناد هویتی موهوم مبادرت ورزیده و بیش از ۱۴۵ نوزاد اصفهانی را به کشورهای حوزه خلیج فارس قاچاق کرده‌اند (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). دریافت اسناد هویتی موهوم همچنین موجب می‌شود که مرتکبان جرایم سازمان‌یافته، عواید نامشروع ناشی از فعالیت خویش را در حساب‌های بانکی متعدد پنهان نمایند و از چنگ دستگاه عدالت کفیری کشورها بگریزند.

۲-۳. ممنوعیت استفاده از شناسنامه دیگری برای اثبات هویت خود

این جرم، ذیل بند ب ماده ۲ «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» پیش‌بینی شده است. اطلاق این بند بیانگر آن است که استفاده از شناسنامه دیگری به هر منظور برای اثبات هویت و معرفی خود جرم است (شهریاری، ۱۳۷۶: ۶۵). جرم‌انگاری «اثبات هویت خویش با استفاده از شناسنامه دیگری» از این جهت اهمیت دارد که اثربخشی بیشتر تدابیری که تا کنون در باب پیشگیری کنشی از آن‌ها سخن گفته شده، مستلزم احراز هویت حقیقی افراد است. بنابراین هر گاه مرتکبان جرایم سازمان‌یافته بتوانند از طریق جایگزینی عکس خویش در شناسنامه‌های دیگران، هویت آن‌ها را غصب نمایند، بی‌تردید تدابیری نظیر «نظارت بر افراد به دلیل وابستگی‌های خانوادگی یا جغرافیایی»، «محدودیت تشکیل گروه و جمعیت» و «پیشگیری از پول‌شویی» نیز با شکست مواجه می‌گردند.

ماده ۹ قانون مذکور، مجازات این جرم را به اعتبار انگیزه مرتکب تشدید می‌کند و استفاده از شناسنامه دیگری به نام هویت خود، به منظور فرار از تعقیب یا اجرای مجازات قانونی و یا به قصد خروج غیر مجاز از کشور سبب محکومیت مرتکب به مجازات حبس از ۱ تا ۳ سال و پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون ریال می‌باشد.

ماده ۱۲ این قانون نیز مرتکبان غیر ایرانی را از شمول بند ب ماده ۲ خارج نموده و آن‌ها را به حبس از ۲ تا ۵ سال و پرداخت جزای نقدی از ۱ تا ۳ میلیون ریال محکوم می‌کند. ذیل این ماده نیز قاضی را مکلف نموده در صورت همراه بودن اعمال ارتكابی فوق (به دست آوردن شناسنامه و ایرانی قلمداد کردن هویت خود) با جعل و استفاده از سند مجعول، مجازات مرتکب را تا حداکثر میزان مجازات حبس و جزای نقدی تشدید کند.

ماده ۲۱۸ قانون عقوبات مصر نیز حکمی مشابه حکم مندرج در بند ب ماده ۲ «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» پیش‌بینی کرده است. به موجب این ماده هر گاه کسی از گذرنامه دیگری استفاده کند، به حداکثر ۶ ماه حبس یا جزای نقدی تا مبلغ ۲۰۰ جنیه مصری محکوم می‌گردد.

نتیجه‌گیری

سند هویتی مدرکی است که برای احراز هویت و شناسایی افراد به کار می‌رود و مشتمل بر نشانه‌های هویتی و اطلاعاتی درباره نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد و نسب اشخاص حقیقی می‌باشد. اهمیت این اسناد در شناسایی و تعیین هویت افراد سبب شده تا به ابزار مناسبی برای پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته تبدیل شوند.

در بُعد پیشگیری کنشی می‌توان از طریق تغییر هویت شهود و اعمال نظارت بر فعالیت‌های برخی افراد به واسطه پیشینه خانوادگی یا محل تولد، خطر ارتکاب جرم را افزایش داد. اسناد هویتی علاوه بر خطرآفرینی، ارتکاب جرایم سازمان‌یافته را دشوار نیز می‌سازند. افزایش ضریب ایمنی اسناد هویتی از طریق به کارگیری کاغذهای حساس، تجهیز مراکز اداری و تعبیه پوشش سلفونی مخصوص در اطراف این اسناد یکی از

راه‌هایی است که با ایجاد مانع، بزهکاران را نسبت به ساخت اسناد جعلی و نامعتبر ناتوان می‌سازد. محرومیت افراد سابقه‌دار از تشکیل گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌ها نیز راهکار دیگری برای افزایش تلاش یا سلب توان بزهکاران مصمم است.

افزایش حساسیت دستگاه‌های مالیاتی به درآمدهای مشکوک و دریافت مالیات بیشتر از درآمدهای مازاد و غیر متعارف یکی دیگر از راهکارهای پیشگیری کنشی است که جاذبه عضویت در سازمان‌های تبهکار و همکاری با آن‌ها را به ویژه در مورد سازمان‌های تبهکار مبتنی بر انگیزه‌های اقتصادی از بین می‌برد. البته شایان ذکر است که تحقق این امر منوط به طراحی سیستم جامع دارایی‌های مردم و احراز هویت صاحبان واقعی حساب‌های بانکی و طرفین حقیقی قراردادهای مالی است.

در بُعد پیشگیری واکنشی، قانون‌گذار ایران شیوه‌های قانون‌نویسی عقلایی را مراعات نکرده و به جای تدوین حکمی عام در خصوص جعل و حفظ اعتبار اسناد هویتی، تمام همت خویش را به حفظ اعتبار شناسنامه اختصاص داده است. مهم‌ترین اقدامات قانون‌گذار در این حوزه در «قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه» مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۰ عبارت‌اند از: ممنوعیت جعل و تخدیش شناسنامه، ممنوعیت دریافت شناسنامه مکرر و موهوم و ممنوعیت استفاده از شناسنامه دیگری برای اثبات هویت خود که در مواد ۲، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ این قانون جرم‌انگاری شده‌اند.

بدین‌سان، اسناد هویتی نقش مؤثری در پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته دارند و شایسته است که قانون‌گذار ایران هم با تصویب اسناد فراملی راجع به جرم‌های مزبور و اصلاح و بازنگری در قوانین داخلی، برای پیشگیری از این جرایم گام بردارد.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، *جرم‌شناسی پیشگیری*، ج ۱، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۲. پیمانی، ضیاء‌الدین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۳. حسنی، محمود نجیب، *شرح قانون العقوبات (التقسیم الخاص)*، قاهره، دار النهضة العربیه، ۱۹۹۲ م.
۴. الخریشه، امجد مسعود، *جریمه غسل الاموال (دراسة مقارنة)*، عمان، دار الثقافة، ۲۰۰۹ م.
۵. دادبان، حسن و سارا آقایی، «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم»، *فصلنامه حقوق*، دوره سی و نهم، شماره ۳، ۱۳۸۸ ش.
۶. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد وین، «بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان‌یافته»، ترجمه معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، *روزنامه رسمی*، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۷. ذاقلی، عباس، *قاجاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی*، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران، دادگستر، ۱۳۹۰ ش.
۹. رهامی، محسن، *اقدامات تأمینی و تربیتی*، تهران، میزان، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. سوانسون، چارلز، نیل سی چاملین و لئونارد تری‌لو، *تحقیقات جنایی*، ترجمه مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. سودرمن، هاری و جان اوگانل، *پلیس علمی*، ترجمه یحیی افتخارزاده، تهران، زوار، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. شاطری‌پور اصفهانی، شهید، *مطالعه جرم‌شناختی کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. شهریاری، مجید، *بررسی و تحلیل جرایم اسناد سجلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. شیخ‌الاسلامی، عباس، «تعامل سازوکارهای اداری و قضایی در زمینه پیشگیری از جرم جعل اسناد دولتی»، زیر نظر فیروز محمودی و محمد فرجیها، *رویکرد چندنهادی به پیشگیری از وقوع جرم*، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. صدیق بطحایی اصل، میرواح‌الله، *بررسی جنایات سازمان‌یافته فراملی در کنوانسیون پالمو (اکتبر ۲۰۰۰) و الحاقیه‌های آن با مطالعه تطبیقی قانون جزای ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. صدیق، مجید، *بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای ضریب ایمنی اسناد هویتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. طغرانگار، حسن، *جرایم سازمان‌یافته در حقوق جزای ایران و بین‌الملل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. عباچی، مریم، «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۷، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۳، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. کاظمی، قباد، *تأثیر جرایم سازمان‌یافته بر مبانی حقوق کیفری ماهوی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹ ش.

۲۱. محمودی جانکی، فیروز و معجد قورچی بیگی، «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم»، فصلنامه حقوق، دوره سی و نهم، شماره ۲، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. معظمی، شهلا، جرم سازمان‌یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، تهران، دادگستر، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. منصورآبادی، عباس و محمدجواد فتحی، جعل و تزویر و جرایم وابسته، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. میراحمدی، مسلم، «نقش فناوری نوین در پیشگیری از جعل اسناد»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۹، ۱۳۹۰ ش.
۲۵. میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. همو، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۲۵-۲۶، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. همو، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست ششم، ۱۳۹۰ ش.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیبزاده و ابراهیم شمس ناتری، «جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۴، ۱۳۷۹ ش.
۳۱. نیازپور، امیرحسین، بزهکاری به عادت؛ از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران، فکرسازان، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. همو، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲ ش.
33. Alix, Julie, *Terrorisme et droit pénal*, Paris, Dalloz, 2010.
34. Blaser, Patrick, «Blanchiment d'argent, L'article 305 bis du code pénal suisse "Les tentacules d'une pieuvre imprévisible"», Dans le livre *La criminalité économique*, sous la direction de Isabelle Augsburguer-Bucheli et de Jean-Luc Bacher, Paris, L'Harmattan, 2005.
35. Bossard, André, *La criminalité internationale*, Paris, PUF, 1988.
36. Cornu, Gérard et Henri Capitant, *Vocabulaire juridique*, Paris, quadrige/ Presses Universitaire de France, 2004.
37. Cusson, Maurice, Pierre Tremblay, Louise L. Biron, Marc Ouimet et Rachel Grandmaison, *La Prévention du crime: Guide de planification et d'évaluation*, Montréal, École de criminologie, Université de Montréal, 1994.
38. Cusson, Maurice, *Pourquoi punir?*, Paris, Dalloz, 1987.
39. Cusson, Maurice, *Prévenir la délinquance*, Paris, Presses Universitaire de France, 2002.
40. Ferri, Enrico, *La Sociologie Criminelle*, Traduit par Léon Terrier, Paris, Alcan, 1914.
41. Gassin, Raymond, *Criminologie*, Paris, Dalloz, 1990.
42. Oberdorff, Henri, *Droit de l'homme et libertés fondamentales*, Paris, édition Alpha, 2010.

43. Perrin, Bertrand, "La protection procédural des dénonciateurs et des témoins dans le cadre de la contre la corruption d'agents publics en droit Suisse", Dans le livre *La criminalité économique*, sous la direction de Isabelle Augsburger-Bucheli et de Jean-Luc Bacher, Paris, L'Harmattan, 2005.
44. Stéfani, Gaston, George Levasseur et R. Jambu-Merlin, *Criminologie et science pénitentiaire*, Paris, Dalloz, 1976.

